

نسخ در قرآن



مقدمه

از دیگر مباحث علوم قرآن بحث «نسخ آیات قرآن» است. مفهوم‌شناسی نسخ، شرایط نسخ، اقسام نسخ، تاریخچه نسخ، تعداد آیات ناسخ و منسوخ و نسخ مشروط از عناوین مرتبط با موضوع نسخ قرآن می‌باشد که درس مذکور درصدد تبیین هریک از این عناوین می‌باشد.

نسخ در قرآن

در هر حرکت اصلاحی و رو به جلو، با تغییر شرایط باید در برنامه‌ها و قوانین بازنگری شود. این بازنگری در قوانین و برداشتن برخی از آن‌ها (نسخ) در شرایع آسمانی نیز وجود دارد. البته این بازنگری و دگرگونی تا هنگامی است که حرکت، به رشد نهایی و کمال مطلوب نرسیده باشد. از این رو نسخ در یک شریعت تا هنگامی است که رسالت پیامبر تمام نشده باشد. بنابراین با پایان یافتن رسالت و فوت پیامبر، دیگر جایی برای نسخ در آن شریعت باقی نمی‌ماند.

نسخ در یک شریعت نوین، همانند نسخه‌های پزشک است که با شرایط و احوال بیمار تغییر می‌کند؛ نسخه دیروز در جای خود مفید و نسخه امروز در جای خود مفید است. خداوند می‌فرماید: **مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا**^۱ هر حکمی را نسخ کنیم یا آن را به (دست) فراموشی بسپاریم، بهتر از آن یا مانندش را می‌آوریم.

بنابراین هر نسخی در جای خود درست بوده و در هر زمان، بهترین حکم تشریع شده است.^۲ شناختن آیات ناسخ و منسوخ از همان ابتدا نزد مسلمانان اهمیت ویژه‌ای داشت، زیرا شناخت آیات ناسخ و منسوخ از مقدمات لازم، برای فهم کتاب خدا و دریافت معارف و احکام اسلامی است.^۳ حضرت علی (علیه السلام) از یکی از قاضیان کوفه پرسید: «آیا آیات ناسخ و منسوخ را می‌شناسی؟» قاضی گفت: نه، امام فرمود: «خود و دیگران را هلاک کردی.»^۴

تعریف لغوی نسخ

«نسخ» در لغت به معنای «از بین بردن»، «تبدیل و جایگزین کردن» و «نقل و انتقال» آمده است.^۵

۱. بقره، ۱۰۶.

۲. معرفت، آموزش، علوم قرآنی، ص ۱۰۲.

۳. سعیدی روشن، علوم قرآن، ص ۳۰۱.

۴. محمدبن مسعود، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۲.

۵. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۱۲۱.



راغب می‌گوید: «نسخ یعنی از بین بردن چیزی با چیزی که پس از آن می‌آید؛ مانند از بین بردن آفتاب، سایه را و سایه، آفتاب را و پیری جوانی را»^۱

تعریف اصطلاحی نسخ

نسخ در اصطلاح عبارت است از: «برداشته شدن حکمی - که ظاهراً دائمی بوده است - به وسیله تشریع حکم جدید، به گونه‌ای که حکم جدید جایگزین حکم اول گردد و نتوان بین آن دو جمع کرد»^۲

البته نسخ براساس نگرش ما انسان‌ها به خدا نسبت داده می‌شود. خداوند از همان ابتدا می‌دانسته که حکم منسوخ، موقت و محدود است، اما به سبب مصالحی پایان زمان آن را تا اعلام حکم جدید پنهان کرده است. از این رو حقیقت نسخ، تأخیر در بیان زمان پایان یک حکم است؛ نه این‌که نظر جدید برای خداوند پدید آمده باشد، زیرا تغییر نظر در خداوند راه ندارد.^۳

حکمت نسخ در قرآن

خدای متعال برای جاودانه کردن معارف و نظام‌های ارزشی اسلام، شرایط و واقعیت‌های خارجی و نیز توان مخاطبان را در نظر گرفته است تا مرحله به مرحله پذیرای ابعاد گوناگون و دستورهای این آیین باشند.

بنابراین مصالح احکام الهی، همه، یکسان و یکنواخت نمی‌باشند. برخی از احکام براساس شرایط اجتماعی عصر نزول، دارای مصلحت موقت بوده و برای همان زمان تشریع شده است. با پایان یافتن مدت این احکام، آن‌ها برداشته شدند و احکام جدیدی جایگزین آن‌ها شدند. این‌گونه احکام از همان آغاز، نزد خداوند، محدود بوده، ولی بنابر حکمت‌هایی از مردم پنهان شده است.^۴

نکته

ممکن است این شبهه مطرح شود که وجود آیات منسوخ در قرآن، جز تلاوت الفاظ بدون محتوا، چه فایده‌ای دارد؟ در پاسخ باید گفت:

۱. مفردات، ماده «نسخ».

۲. آراسته، درسنامه علوم قرآنی، ص ۲۸۸.

۳. سعیدی روشن، علوم قرآن، ص ۳۰۲.

۴. همان، ص ۳۰۳.



اولاً: وجود آیات ناسخ و منسوخ در قرآن، سیر تدریجی تشریع احکام را نشان می‌دهد. این خود یک ارزش تاریخی - دینی است که مراحل تکامل شریعت را بیان می‌کند. ثانیاً: باید توجه داشت که یکی از جنبه‌های مهم قرآن، اعجاز بیانی آن است و باید همیشه ثابت و استوار باقی بماند.^۱

شرایط نسخ

نسخ دارای شرایطی است که عبارتند از:

۱. در محدوده احکام شرعی باشد: ناسخ و منسوخ، هر دو، باید حکم شرعی باشند. هرگونه تغییر و تبدیل که خارج از محدوده احکام شرعی باشد از موضوع بحث خارج است؛ برای نمونه، اگر عقل، حکم به جواز کاری کرده باشد و شرع، حکم به حرمت آن، به این حالت نسخ نمی‌گویند، زیرا جواز، حکم عقلی است و حرمت، حکم شرعی.
۲. موضوع در ناسخ و منسوخ یکی باشد و تبدیل نشود: اگر تغییر حکم، به سبب تبدیل موضوع آن باشد، به این تغییر حکم، نسخ نمی‌گویند؛ مانند تبدیل حالات اختیار به اضطرار یا حاضر به مسافر. تغییر حکم در این‌گونه موارد از حیطه مسئله نسخ بیرون است، زیرا هر موضوعی حکم خاص خود را دارد و با تبدیل موضوع، حکم آن نیز تغییر می‌کند.
۳. وجود تنافی و تضاد میان ناسخ و منسوخ: ناسخ و منسوخ باید به گونه‌ای باشند که آن‌ها را نتوان جمع کرد. بنابراین اگر دو حکم به گونه‌ای باشند که وجود هم‌زمان آن دو ممکن باشد در این صورت نسخ صورت نگرفته است.
۴. منسوخ محدود به زمان معینی نشده باشد، زیرا اگر حکم سابق از ابتدا مقید به زمانی باشد، با سر آمدن آن زمان، حکم، خود به خود از بین می‌رود و نیازی به نسخ نیست.^۲

تفاوت نسخ در شرایع الهی با نسخ در قوانین انسان‌ها

قوانینی که انسان‌ها وضع می‌کنند، در ظاهر، همیشگی است. با تغییر شرایط در برخی از قوانین تجدید

۱. معرفت، علوم قرآنی، ص ۲۶۹.

۲. همان، ص ۲۵۲.



نظر می‌شود و قانون تازه‌ای جایگزین قانون گذشته می‌گردد. این تجدید نظر در مورد انسان‌ها طبیعی است، زیرا انسان نمی‌تواند همه پیشامدهای آینده را پیش‌بینی کند. بنابراین نسخ در قوانین انسان‌ها، نسخ حقیقی است، اما نسخ در شرایع الهی، نسخ ظاهری است؛ یعنی مردم بر حسب ظاهر گمان می‌کنند که نسخی صورت گرفته است.

خداوند هنگام تشریع حکم سابق، می‌دانست که مدت آن، محدود است و تنها به دلیل مصالحی مدت آن را بیان نکرده است. با این بیان می‌توان گفت که در واقع نسخی در کار نیست. خداوند ابتدا حکم سابق را به صورت محدود تشریع کرده، سپس با تشریع حکم جدید پایان مدت حکم سابق را اعلام کرده است.^۱

اقسام نسخ

دانشمندان علوم قرآنی، نسخ در قرآن را به سه قسم تقسیم کرده‌اند که برخی از این اقسام را همه مسلمانان پذیرفته‌اند و درباره برخی دیگر اختلاف وجود دارد.

الف) نسخ حکم و تلاوت

برخی معتقدند که آیه یا آیاتی در قرآن بوده که تلاوت آن‌ها همراه با حکم آن نسخ شده است. مثالی که معمولاً در این خصوص ذکر شده، این جمله است: «عشر رَضَعَات مَعْلُومَات يُحَرِّمْنَ»؛ «ده مرتبه شیر دادن معلوم، باعث حرمت می‌شود.» از عایشه نقل شده است که این جمله از آیات قرآن بوده است که با حکم پنج بار شیر دادن، حکم و تلاوت این آیه نسخ شده است.^۲

باطل بودن این سخنان به قدری روشن است که نیازی به ابطال آن وجود ندارد. روایتی که از عایشه نقل شده، خبر ضعیفی است که نمی‌توان با آن ثابت کرد که جمله مذکور، از آیات نسخ شده قرآن است.

برخی از محققان اهل سنت نیز، خودشان، این قسم از نسخ را نپذیرفته‌اند،^۳ زیرا لازمه پذیرش آن، وقوع تحریف در قرآن است. بدرالدین زرکشی پس از بیان این نوع نسخ از قول قاضی ابوبکر، آن را مطرود می‌شمارد، چرا که مستند به خبر واحد و بی‌اعتبار است.^۴ هم‌چنین امام سرخسی می‌گوید: «این سخن،

۱. معرفت، علوم قرآنی، ص ۲۵۳.

۲. البرهان، ج ۱، ص ۱۶۹ و الاتقان، ج ۲، ص ۷۰۵.

۳. صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، ص ۲۵۶.

۴. اصول السرخسی، ج ۲، ص ۷۸ به نقل از تلخیص التمهید، ج ۱، ص ۴۲۳.



بازی با قرآن و منافی با دلایل صریح و قطعی حفظ قرآن است.^۱

ب) نسخ تلاوت و بقای حکم

منظور این است که الفاظ آیه‌ای از قرآن حذف شده، ولی حکم آن آیه هم‌چنان پا برجا است و بدان عمل می‌شود. از جمله مثال‌هایی که برای این نوع نسخ آورده شده، این جمله است **الشیخ والشیخة اذا زنيا فارجموها البتة نکالاً من الله والله عزیز حکیم**؛ پیرمرد و پیرزن زناکار را سنگسار نمایید، این عذاب و عقوبتی است از ناحیه خداوند و خداوند عزیز و حکیم است. برخی معتقدند که این جمله، از آیات قرآن بوده است. سپس تلاوت آن نسخ شده، ولی حکم سنگسار پیرمرد و پیرزن زناکار هم‌چنان باقی است. به عقیده شیعه این قسم از نسخ نیز باطل است و در قرآن اتفاق نیفتاده است، زیرا التزام به چنین نسخی التزام به تحریف قرآن است که هیچ مسلمانی آن را نمی‌پذیرد.^۲

ج) نسخ حکم و بقای تلاوت

منظور این است که محتوای یکی از آیات قرآن نسخ شده، اما الفاظ آن آیه در قرآن باقی مانده است. همه فرقه‌های اسلامی این قسم از نسخ را پذیرفته‌اند. بنابراین تنها حکم برخی از آیات قرآن مجید نسخ شده، اما لفظ و تلاوت آن هم‌چنان در قرآن باقی مانده است.^۳

آیات نسخ شده

نسخ، نزد پیشینیان مفهومی گسترده‌تر از مفهوم امروزی‌اش داشته است. در گذشته هر گونه تغییر و تبدیل در حکم پیشین را نسخ می‌گفتند، در حالی که نسخ مصطلح امروزی به معنای «جایگزین کردن حکم جدید به جای حکم گذشته» می‌باشد.^۴ برخی براساس مبنای پیشینیان، تعداد آیات منسوخ را ۲۲۸ آیه می‌دانند. سیوطی با رد کثرت نسخ، تعداد آیات منسوخ را ۲۱ آیه می‌داند. آیت‌الله خوئی، فقط قائل به نسخ یک آیه (سوره مجادله، آیه ۱۲) است. آیت‌الله معرفت نیز در ابتدا قائل به وجود هشت مورد از نسخ

۱. تلخیص التمهید، ج ۱، ص ۴۲۴.

۲. معرفت، علوم قرآنی، ص ۲۷۵ و آراسته، درسنامه علوم قرآنی، ص ۳۰۴.

۳. همان، ص ۲۵۹.

۴. همان، ص ۲۴۸.



در قرآن بوده^۱ اما سرانجام هیچ موردی از نسخ را نپذیرفتند و تنها به نوع دیگری از نسخ به عنوان نسخ مشروط قائل شدند.

نمونه‌ای از آیات نسخ شده

آیه نجوا

مردم در زمان پیامبر (صلی الله علیه وآله) گاه و بی‌گاه مزاحم پیامبر (صلی الله علیه وآله) می‌شدند. بیشتر مسائلی که مردم مطرح می‌کردند، بسیار ناچیز و بیهوده بود و در شأن پیامبر (صلی الله علیه وآله) نبود. برای این‌که سؤال‌های مردم محدود شود، دستور آمد تا برای هر سؤال، باید ابتدا مقداری صدقه داده شود: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ**^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگاه با پیامبر (صلی الله علیه وآله) گفت‌وگوی محرمانه می‌کنید، پیش از گفت‌وگوی محرمانه خود صدقه‌ای بپردازید. این [کار] برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است و اگر چیزی نیافتید بدانید که خدا آمرزندهٔ مهربان است.

با این دستور مردم به طور کلی از پرسش خودداری کردند. تنها امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) دیناری را به ده درهم فروخت و آن را صرف مسائل مهم در پیشگاه پیامبر (صلی الله علیه وآله) کرد. علی (علیه‌السلام) ده مرتبه اقدام به این کار کرد و برای هر مرتبه یک صدقه داد تا آن‌که آیه بعدی نازل شد و صحابه و مؤمنان را شدیداً سرزنش کرد:

ءَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ^۳ آیا ترسیدید که پیش از گفت‌وگوی محرمانه خود، صدقه‌ای بپردازید؟ حال که چنین نکردید و خدا [هم] بر شما بخشود، پس نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و از خداوند و پیامبرش اطاعت کنید و خداوند به آن‌چه می‌کنید آگاه است.

در این آیه، تنها محتوا نسخ شده است، زیرا حکم گذشته (دادن صدقه برای هر سؤال) به طور کلی از بین رفت و حکم جدیدی جایگزین آن شد، اما الفاظ و تلاوت این آیه همچنان باقی است.^۴

۱. معرفت، التمهید، ج ۲، ص ۳۰۲ و ۳۱۷.

۲. مجادله، ۱۲.

۳. همان، ۱۳.

۴. معرفت، علوم قرآنی، ص ۲۶۱.



چنان‌که گفته شد آیت‌الله معرفت نسخ چهارمی را با عنوان نسخ مشروط مطرح کرده‌اند. در این معنی از نسخ آیاتی نظیر آیات صلح و صفح متعلق به محیط ضعف مسلمان‌ها است و آیاتی نظیر آیات قتال متعلق به شرایط مساعد آنان در برابر دشمنان بوده است. بنابراین چنان‌چه شرایط مسلمانان تغییر کند، به تبع نیز باید به آیات مربوط به همان شرایط عمل کرد. این نوع نسخ که تنها نسخ متصور از دیدگاه ایشان است نسخ مشروط نامیده شده است. به نظر آیت‌الله معرفت، آیه نجوی نیز مصداق همین نسخ است.

خلاصه درس

۱. «نسخ» در لغت به معنای «از بین بردن»، «تبدیل و جایگزین کردن» و «نقل و انتقال» آمده است.
۲. نسخ در اصطلاح عبارت است از «برداشته شدن حکمی - که ظاهراً دائمی بوده است - با تشریع حکم جدید، به گونه‌ای که حکم جدید جایگزین حکم اول گردد و نتوان بین آن دو جمع کرد».
۳. حکمت نسخ این است که برخی از احکام براساس شرایط اجتماعی زمان نزول قرآن دارای مصلحت موقت بوده و برای همان زمان تشریع شده است. و این‌گونه احکام از همان آغاز، نزد خداوند، محدود بوده، ولی بنابر حکمت‌هایی از مردم پنهان شده است.
۴. شرایط نسخ عبارت‌اند از:
 - (الف) در محدوده احکام شرعی باشد؛
 - (ب) موضوع در ناسخ و منسوخ یکی باشد و تبدیل نشود؛
 - (ج) وجود تنافی میان ناسخ و منسوخ، به گونه‌ای که جمع میان آن‌ها ممکن نباشد؛
 - (د) منسوخ محدود به زمان معینی نباشد.
۵. نسخ در قوانین انسان‌ها حاکی از تجدید نظر است، زیرا انسان نمی‌تواند تمامی پیشامدهای آینده را پیش‌بینی کند. از این رو نسخ در قوانین انسان‌ها، نسخ حقیقی است، اما نسخ در شرایع الهی نسخ ظاهری است؛ یعنی مردم به حسب ظاهر گمان می‌کنند که نسخی صورت گرفته، در حالی که واقعاً چنین نیست.
۶. اقسام نسخ عبارت‌اند از: نسخ حکم و تلاوت، نسخ تلاوت و بقای حکم، نسخ حکم و بقای تلاوت.



۷. یکی از موارد معروف نسخ، آیه نجوا است.
۹. از نظر آیت الله معرفت، تنها نوع متصور نسخ، نسخ مشروط نام دارد. از نظر ایشان، آیه نجوا مصداق همین نوع نسخ است.
۱۰. در نسخ مشروط، هر یک از آیات ناسخ و منسوخ ناظر به شرایط خاصی است که حصول یا ارتفاع آن شرایط حتی در آینده موجب عمل به آیات مربوطه می شود.